

درآمد

از روزگاران گذشته، طب نوعی روش زندگانی بوده که ریشه در فرهنگ اقوام و ملت‌ها داشته است. از این منظر، علم طب با دیگر فنون و دانش‌هایی که آدمی آنها را فرا می‌گیرد و بدان‌ها مجهز می‌شود، بیش‌وکم متفاوت است. در سنت دیرین طبابت، طبیب دانشمندی است که در برانگیختن توجه و اعتماد بیمار به خود تواناست و باور به اصول اخلاقی حرفه طبابت با او درآمیخته است. از این‌رو، به‌ویژه در فرهنگ ایرانیان، پزشک همواره حکیم نیز بوده است.

در تعریفی ساده، طب سنتی را می‌توان مجموعه همه علوم نظری و عملی‌ای دانست که در تشخیص طبی، پیشگیری و درمان بیماری‌های جسمی، ذهنی، یا ناهنجاری‌های اجتماعی به‌کار می‌روند و از رهگذر گفتار یا نوشتار از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند. در واقع، طب سنتی واژه‌ای فراگیر است که هم به نظام‌های طب سنتی مانند طب سنتی ایران، یونان، و چین هم به اشکال مختلف طب بومی - که مورد نظر اثر حاضر است - اطلاق می‌شود. درمان‌های طب سنتی شامل دارو درمان (استفاده از گیاهان دارویی، اجزای حیوانی، و معدنی) و روش‌های غیردارویی (مانند طب سوزنی، ماساژ، و درمان‌های روحی و روانی) است. گفتنی است در کشورهایی که ساختار خدمات پزشکی در آنها بر پایه طب مدرن استوار است، به جای طب سنتی غالباً واژه طب مکمل و طب جایگزین یا طب نامتعارف به‌کار می‌رود. با این‌همه، باید یادآور شد که دست‌کم در عالم نظر تفاوت‌هایی برای تمایز میان طب مکمل و طب سنتی بر شمرده‌اند. از یک منظر، طب سنتی به مجموعه روش‌ها یا شیوه‌های درمانی گفته می‌شود که در یک محدوده جغرافیایی یا فرهنگی و میان اقوام مختلف در قرن‌های مختلف به‌کار گرفته شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. اما اگر از این شیوه‌ها و روش‌های درمانی در دیگر حوزه‌ها و در میان اقوام و ملت‌های دیگر استفاده شود، در اصطلاح به آن طب مکمل یا جایگزین می‌گویند.

ریشه‌های طب سنتی در ایران به بیش از ۳۰۰۰ سال پیش می‌رسد. بی‌گمان، پیشینه‌ای چنین بلند به همراه غنای طب سنتی در فلات ایران، از آن مکتب طبی کامل و پویایی ساخته است که به جهان به مثابه نظام احسن و آفریده خالق عالم و حکیم می‌نگرد و چنان که بیش‌تر اشاره شد پزشک را به دلیل تسلط بر علوم مختلف و درک و آگاهی صحیح از جهان هستی، حکیم می‌دانند.

از منظر زمانی، سابقه بلند طب سنتی در فلات ایران زمین غالباً به سه دوره مهم تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از دوره هخامنشی، دوره ساسانی، و دوره اسلامی. در عهد باستان و پیش از آن، آدمی روزگارانی بلند برای درمان بیماری‌ها به سحر و جادو پناه می‌برد و بر اساس برخی تجارب، عقاقیر، و نباتات را برای درمان به‌کار بست که در این روند، تلاش‌های حکیمانی از ایران، یونان، روم و مصر نقش بسزایی داشت. در عهد هخامنشیان که یکی از دوره‌های درخشان سنت طبابت ایرانی در دوره باستان است، پزشکان بر پایه تخصص‌شان تقسیم‌بندی شده بودند و دانش مردم سرزمین‌مان درباره گیاهان دارویی زبانزد دیگر ملل بود؛ چنان‌که در عصر ساسانیان حتی نام برخی از داروها از زبان پهلوی وارد زبان یونانی شد. در این دوره، با

رونق جندی‌شاپور، طب در سرزمین ایران شکوفایی دوچندانی یافت. جندی‌شاپور از هرگونه تعصبی فارغ بود و دانشمندان و حکیمان در آن محدودیتی نداشتند و سهم مهمی در تاریخ طب ایران داشته است. گفته می‌شود که تأسیس اولیه این شهر به دوره باستان و زمان ورود قوم آریایی‌ها بازمی‌گردد؛ گو این‌که بعدها به فرمان شاپور تجدید بنا شد و رونق یافت. هدف وی از این نوسازی، برپایی کانونی برای استقرار اسیران رومی و یونانی و استفاده از تخصص‌های آنان بود. در واقع آنچه سبب پیشرفت این شهر شد تمایل پادشاهان ساسانی به گردآوری بخش‌های پراکنده اوستا و مطالب دینی زردشتی بود. مهاجرت علمای نستوری از شهر یونانی الرها یا ادسا، که در سایه تعصب مذهبی کلیسا قرار داشت، عامل دیگری بود که سبب پیشرفت علوم قدیم، و از جمله طب، در جندی‌شاپور شد.

به هنگام ظهور اسلام جندی‌شاپور بهترین دوران خود را می‌گذراند. این مدرسه، که مهم‌ترین مرکز پزشکی عصر خود بود، مرکز تجمع دانشمندانی با ملیت‌های گوناگون بود که با درآمیختن سنت‌های پزشکی یونانی، هندی، و ایرانی زمینه رشد پزشکی اسلامی را فراهم آورده بود. بسیاری اوج شکوفایی طب در ایران را در دوره اسلامی و در فاصله قرن نهم تا چهاردهم میلادی دانسته و آن را عصر زرین پزشکی ایران نامیده‌اند. در همین دوره بود که چهره‌های تابناک تاریخ طب ایران درخشیدند و آثار گراندتری در طب از خود به یادگار گذاشتند؛ از جمله دانشمندانی چون علی‌بن ربن طبری، مؤلف فردوس الحکمه، ابوبکر محمدبن زکریای رازی، صاحب کتاب معروف الحاوی، علی‌بن عباس مجوسی اهوازی، نویسنده اثری به نام کامل‌الصناعه الطیبیه‌الملکی، ابن سینا مؤلف کتاب گران‌سنگ قانون، ابن رشد قرطبی نویسنده کتاب‌های کلیات، سموم، و شرح بر قانون، و اسماعیل شرف‌الدین جرجانی، صاحب اثر ماندگار ذخیره خوارزمشاهی.

پزشکی سنتی ایرانی با هویت یافتن از چنین طبیبان حکیم، یا به گفته دقیق‌تر، حکیمان طیب، گونه‌ای از طب سنتی است که برخلاف طب تجربی جزئی از طبیعیات فلسفه است و بر پایه اخلاط چهارگانه بنا نهاده شده که از این نظر با پزشکی اسلامی اشتراکات بسیاری دارد. در منطق علمی طب سنتی ایران، اصول روش تغذیه بر تغذیه‌ای مخصوص هر فرد بر اساس ویژگی‌های فردی استوار است. «طب سنتی ایران و آیین بهزیستی اسلامی بر پیشگیری از بیماری‌ها از طریق آموزش روش صحیح زندگی تأکید می‌ورزند و پزشک موفق را حکیمی می‌دانند که سلامتی جامعه را حفظ کند و با این تدبیر، از شمار بیماران و میزان مصرف دارو بکاهد. با این رویکرد، طب سنتی ایران بیماری‌ها را به سه دسته عمده تقسیم می‌کند؛ نخست، بیماری‌های سوء مزاج، یعنی آنان که اصول تغذیه‌ای مناسب مزاج خود را رعایت نکرده و دچار کثرت یا غلبه یک یا دو کیفیت از کیفیات چهارگانه (سردی، گرمی، خشکی یا رطوبت) است، دوم بیماری‌های سوء ترکیب که ترکیب یا تعداد طبیعی اندامی از بدن دچار اشکال است، مانند کسی که بدون قسمتی از بدن به دنیا می‌آید، سوم بیماری‌های تفرق و اتصال که اتصال طبیعی در یک عضو دستخوش نقصان می‌شود (مثلاً در شکستگی‌ها) یا تفرق طبیعی از بین می‌رود (مثلاً اندامی به علت بد جوش خوردن دچار محدودیت حرکت می‌شود). بیماری و درد از نخستین هم‌نشینان بشر بوده‌اند و آدمیان همواره به دنبال شیوه‌هایی برای ترمیم و درمان آن بوده‌اند. بر این اساس، در طب سنتی ایران پس از تشخیص، در گام نخست از درمان تدابیر بالاغذیه می‌کردند، یعنی با اصلاح برنامه غذایی به درمان بیماری می‌کوشیدند. اگر بیمار با این روش بهبود نمی‌یافت،

نوبت به تدابیر بالادویه می‌رسید، چنان‌که تلاش می‌شد تا از رهگذر دارودرمانی بیماری درمان شود. سرانجام در واپسین گام، نوبت به تدابیر بالید همچون جراحی، فصد، و جز آنها می‌رسید.

طب غنی سنتی ایران خود از چند خاستگاه مایه گرفته و بالیده است: اساطیر طب ایران از یک‌سو، و طب باستان فلات ایران، که بر آموزه‌های زردشت و اوستا استوار است، از سوی دیگر؛ طب شرقی و مکاتب پزشکی هند و چین؛ طب میان‌رودان (بین‌النهرین) که از باختر و جنوب باختر تعالیم پزشکی تمدن‌هایی چون سومری، کلدانی، عیلامی، آشوری، اکدی، سریانی و مانند آنها را به امانت گرفت یا چونان طب مصر با گسترش قلمرو هخامنشی، وارد فلات سرزمین‌مان شد؛ طب یونانی؛ و سرانجام طب اسلامی که افزون بر مایه گرفتن از فرهنگ و آیین بهزیستی اسلامی (و از عصر صفویه، طب شیعی)، در مسیری مستقل آموزه‌های دیگری را از طب یونانی وارد ایران کرد. تردیدی نیست که به این موارد باید طب عوام یا طب شفاهی را نیز افزود که از انباشت تجربه‌های عامه مردم به دست آمده است.

همان‌گونه که در آغاز این سخن اشاره شد، میان طب سنتی هر ملتی و فرهنگ آن ملت پیوندهای عمیقی وجود داشته است. فرهنگ البته مفهومی عام است که برای توصیف جنبه‌های نهادی و آموخته در جوامع انسانی به کار می‌رود. به گفته‌ای، فرهنگ شیوه عمومی زندگی گروه یا گروه‌هایی از مردم است که عناصری همچون عادات، اعتقادات، سنت‌ها، و ارزش‌های مشترک آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و همه الگوهای آموخته رفتاری مانند زبان، گرایش‌ها، مهارت‌ها، و نظام‌های ارزشی را در بر می‌گیرد. در این میان، یکی از موضوعات فرهنگی، تندرستی و سلامتی است و رفتارها و واکنش‌های اهل جامعه در برابر سلامتی و مسائل مرتبط با آن جزئی از نظام کلی فرهنگ رفتاری هستند. آداب و روش‌های حفظ سلامت، تشخیص فرد بیمار، نحوه برطرف کردن نیازمندی‌های بیمار و سنت‌های مرتبط با حفظ و مراقبت و رفتار با او از طریق فرهنگ تعیین می‌شوند. به این ترتیب می‌توان گفت که فرهنگ حتی با مجموعه‌ای از نیازهای زیستی آدمی هم پیوند دارد، زیرا در زنجیره حیات یکی از نخستین نیازهای او تندرستی و سلامتی است. در هر فرهنگی، اهل جامعه با توجه به تجربه شخصی، محل زندگی، سطح آموزش و دیگر عوامل اطلاعات خود را در باره بیماری از منابعی چون اصول و آداب و رسوم پزشکی سنتی، سنن و رفتارهای قومی و منطقه‌ای، و اعتقادات و باورها به دست می‌آورند و این همان طب بومی و یکی از بن‌مایه‌های مکتب طب سنتی ایرانی است.

در میان اقوام ایرانی، بیماران برای درمان بیماری‌ها و ناخوشی‌ها نزد زنان و مردان سالخورده و دنیادیده قوم خود می‌رفتند و از آنان چاره درد و راه درمانشان را می‌جستند. این پیران در گذران عمر با عمده بیماری‌ها، ناخوشی‌ها و دردها، که به باورشان غالباً از کثرت معصیت پدید می‌آمد، برخورد کرده و آشنا بودند و علائم و عوارض بیماری‌ها و شیوه درمان آنها را یا خود آموخته بودند یا از آبا و اجداد و اقربان خود آموخته بودند. مردم نیز به این طبیبان دیندار ایمانی استوار و اعتقادی راسخ داشتند و دستورها و تجویزهای ایشان را هرچه بود می‌پذیرفتند و به کار می‌بستند.

باری، پزشکی سنتی حاصل تجربیات قرن‌های متمادی است و در این دانش برای پیشگیری از بیماری‌ها و درمان آنها بیشتر از امکانات موجود در جامعه محلی کمک گرفته می‌شود و گذشت نسل‌های

مختلف، تجربیات پیشین را تکمیل می‌کند. طب سنتی ایران دانشی است متکی بر تحقیق عملی و دارای فلسفه و قانون، چنان‌که می‌توان آن را کیفی و کمی تجزیه کرد و فرضیات آن را به بحث گذاشت. این دانش بر وحدت و پیوند میان ابعاد مختلف وجود انسان، یعنی جسم، نفس و روح استوار است. از این رو، چنان‌که گفته آمد، طب عامه را نه یک فن محدود، بلکه نوعی روش زندگی می‌دانند.

اساس مجموعه حاضر، که به بررسی پزشکی عامیانه مردم ایران پرداخته است، حاصل تلاش ده‌ها نفر در کشور است که بر پایه طرح کار پژوهشکده مردم‌شناسی، زبان، و کتیبه‌های پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و با عنوان «مردم‌نگاری» در بیست سال گذشته در بیش از ۳۵۰ شهرستان انجام شده است. در طرح «مردم‌نگاری سرزمین» که همه‌مباحث جامعه انسانی میدانی و از رهگذر مشاهده مستقیم و مصاحبه مطالعه شده‌اند، عناوینی همچون خوراک محلی، پوشاک، آداب و رسوم، فناوری‌های بومی، بازی‌ها، ادبیات شفاهی و در نهایت طب بومی گردآوری و ثبت شده‌اند. مباحث نظری‌ای که به معرفی اخلاط و مزاج‌های موجود در بدن انسان و ارتباط آن با سلامتی و بیماری پرداخته‌اند، بیماری‌های جسمی و روحی و درمان‌های سنتی آنها، داروهای گیاهی در بهبود امراض، درمان شکستگی‌ها و در رفتگی‌ها، برخی از بیماری‌ها مرتبط با نوع کار در کشور، چشم‌زخم و روش‌های دفع آن، اشخاص و مکان‌های مؤثر در درمان، باروری و فرزندآوری، ختنه، روش‌های خون‌گیری درمانی (حجامت، فصد، و زالواندازی)، خالکوبی، و مانند آنها از جمله موضوع‌هایی‌اند که در این گزارش‌ها آمده‌اند. گفتنی است که مطالب این مجموعه بزرگ به دو طریق گردآوری و تهیه شده‌اند؛ بخش عمده آن بر پایه گفته‌های عامه مردم، عطاران، حکیمان، ماماها و دیگر کسانی استوار است که در پزشکی عامیانه مشغول طبابت و درمان‌اند، و بخش اندکی نیز با بهره‌گیری از اسناد و مدارک مکتوب حوزه طب سنتی ایران تهیه و تنظیم شده است.

به هرتقدیر، اثر حاضر گوشه‌ای است از این مجموعه سترگ که با همت بلند و چندین ساله پژوهشگران و اعضای هیئت علمی پژوهشکده مردم‌شناسی، زبان، و کتیبه‌ها از یک‌سو، و کوشش عالمانه همکارانی در دایره‌المعارف پزشکی اسلام و ایران از سوی دیگر، دسته‌بندی، بازخوانی و مهیای طبع و نشر در ویژه‌نامه پیام بهارستان کتابخانه مجلس شورای اسلامی شده و اکنون به بار نشست است. حاصل این تلاش تقدیم به همه آنانی است که دستی یا دلی در گروهی زنده نگاه داشتن این میراث کهن سرزمین‌مان دارند؛ میراثی که بی‌تردید متعلق به همه بشریت است.

مزدک انوشه

پژوهشکده مردم‌شناسی، زبان و کتیبه‌ها

پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری